

عکاسی



گذشته‌ها :

مقدمه - تاریخچه‌ی پیدایش عکاسی - تشریح دوربین عکاسی - انواع مختلف دوربین‌ها - اقسام ابژکتیف‌ها - چه دوربینی بخریم و یک حلقه فیلم ۳۶ تایی را چطور تمام کنیم؟ - تصویر چگونه ثبت میگردد - نور موجود و انتخاب صحیح دیافراگم و سرعت - دیافراگم و میدان وضوح - نورسنج - فیلترهای رنگین - فیلترهای بیرنگ - فلاش - لوازم اولیه - الفبای عکاسی - کمپوزسیون .

هنر دیدن

زیرا یک عکس خوب با داشتن معنی و مفهوم و خوش آیند بودن در سایه‌ی محتوی و فرم‌هایش باید بتواند توجه تماشاگر را جلب و مدتی او را معطوف خود نگاهدارد .

در مورد محتوی میتوان گفت که هر چیزی ، هر قدر ساده و بی‌اهمیت هم که باشد ، میتواند موضوعی برای یک عکس باشد و اساساً این یکی از محسنات عکاسی است زیرا بعکاسان کمک میکند تا زیبایی عادی‌ترین اشیاء را بدیگران عرضه دارند و آنچه را که معمولاً از نظر همه دور مانده و خود بخود جلب توجهی نکرده نمایان سازند .

از لحاظ فرم‌ها ، یعنی طرز قرار گرفتن شکل‌ها و خطوط و حجم‌ها که در حقیقت هر تابلویی از همین‌ها تشکیل یافته است ، از اصول و قواعد کمپوزیسیون میتوان کمک گرفت . وقتی مقابل یک تابلوی خوب میایستید بلافاصله نظرتان بطرف موضوع آن جلب میگردد و مشاهده میکنید که هر یک از عناصر تصویر بوسیله طرح و شدت و ضعف رنگها با موضوع اصلی ایجاد هم‌آهنگی کرده و از هر چیزی که امکان دارد نظر را از موضوع بسوی دیگر بکشاند بشدت اجتناب شده است و باین ترتیب از مجموعه‌ی تابلو احساس کامل توازن میگردد . به تابلویی که دارای چنین خواصی باشد میگویند ، خوب ترکیب یافته است .

عکس و حدود آن - نگاهی با طرف خود بکنید ، آیا میتوانید تعداد شکل‌ها و فرم‌هایی را که می‌بینید بشمارید؟ محال است باین امر موفق گردید . در میان این شکل‌های بیشتر

در مباحث گذشته گفته شد که برای بدست آوردن یک عکس واضح چه باید کرد و نور صحیح و لازم را در هر موردی چگونه میتوان اندازه‌گیری کرد و آنرا بکار بست . اینها مسائل اولیه‌ی عکاسی است و غفلت از آن دو ابداً جایز نیست زیرا وضوح تصویر و نور صحیح دوش شرط اصلی و اساسی برای موفقیت عکس از نقطه‌ی نظر تکنیک بشمار میرود ، یعنی از لحاظ فنی عکسی را میتوان گفت خوبست که محاسبه‌ی نور آن بدرستی انجام گرفته و همچنین تمام جزئیاتش بحد کافی واضح و آشکار باشد . ضمناً هیچگونه بدشکلی و ناهنجاری که بچشم ناخوش آیند است در آن دیده نشود .

برای بدست آوردن چنین نتیجه‌ی داشتن معلومات فنی معینی ، که در شماره‌های گذشته ذکر شد ، کافی است و هیچ لزومی ندارد که عکاس ، فیزیک‌دان و متخصص نور و عدسی و غیره باشد . زیرا اساساً سر " همگانی شدن عکاسی در سادگی فن و تکنیک آنست ، مخصوصاً که امروز دوربین‌های کاملاً خودکار حتی باز وظایف فوق‌را نیز از دوش عکاس برداشته‌اند . اما هر تصویری که از لحاظ تکنیک صحیح و خوب باشد معلوم نیست حتماً عکس جالب و گیرائی نیز هست یا نه ؟

اگر در موقع عکاسی قلب و روح شما در مقابل زیبایی موضوعی که انتخاب کرده‌اید احساسی نکند حساس‌ترین فیلم‌ها نخواهد توانست کوچکترین خدمت و کمکی بشما انجام دهد



سال جامع علوم انسانی

که مهر شخصیت عکاس بر آن نقش بسته است .
 با چنین تعریف و توضیحی در مورد عکاسی میتوان گفت
 که اینکار فقط يك عمل ضبط و ثبت ماشینی نیست و بشخصی
 صفت عکاس خوب اطلاق میگردد که اولاً میتواند موضوعات
 خوب و جالب را پیدا کند ثانیاً پس از یافتن موضوع بتکمیل
 یکرشته اعمال شخصی در ضمیر خود بپردازد که نتیجهی آنها عبارت
 از استخراج تصویری است از میان احساسات و ادراکات متعدد .
 دقت کنید ! وقتی ما ، در برابر منظره ای قرار میگیریم
 در مجموعه ای احساسات ، غیر از آنچه که با چشمان خود درك
 میکنیم چیزهای دیگری نیز راه مییابد . مثلاً هوای کم و بیش
 خنك ، بوهای خوب و یا بدی که در اطراف وجود دارد ،

چنان ترکیبهای زیبا و هنری وجود دارد که هر يك برای خلق
 و ایجاد تابلویی نفیس کفایت میکند اما بقدری درهم و شلوغ
 هستند که درك آن از عهدهی هر کسی بر نمیآید . این وظیفهی
 عکاس هنرمند است که آنها را بیابد ، از دیگران جدا سازد ،
 آنگاه برای تماشای مردم آماده کند . در اینصورت است که
 برای همه قابل فهم خواهد بود . اینکار تنها در قدرت دوربین
 عکاسی است که میتواند حتی سریعترین حرکات و تغییر شکلها
 را نیز تجرید و تثبیت کند . در میان اینهمه شکل و فرم آنچه که
 نظر عکاس را بخود جلب میکند بیشك چیزی است که با روح
 و فکر و سرشت او بستگی دارد تا او را وادار بانتخاب یکی
 و انصراف از دیگری میکند . حتی میتوان گفت این انتخابی است



بر آنچه که داخل میدان دیده میشود، جلب میگردد چیزی کاملاً مورد توجه ما قرار میگیرد در حالیکه شیئی دیگری را با وجود اینکه در همین میدان است نمی بینیم. عمل انتخاب قسمتی از این میدان وسیع و پریدن آن از اطراف و جوانب نتیجهی قضاوت شخصی ماست. بنابراین نباید تصور کرد که چون عکاس با وسایل فنی اثر خود را بوجود می آورد هیچگونه عامل شخصی و ذاتی در گرفتن عکس و ثبت حقیقت بکار نمیبرد. چنین تصویری اشتباه است زیرا دیدیم که حقیقت هیچگاه بطور وضوح معین و مشخص نیست، و عکاس در حالیکه دوربین را به نقطه ای معینی متوجه ساخته با «قیچی شخصی» خود برشی بآن میدهد. در عمل «برش» نیز نمیتوان عنان خود را تنها بدست احساسات سپرد بلکه بر حسب اقتضای این هنر لازم است قبلاً حساب قدرت فیلم را در دست داشت و از امکانات و عجز آن با خبر بود. مثلاً در عکس غیر رنگی تبدیل رنگها را به

آواز پرندگان، وضع خوب و یا بد جسمانی و غیره. تمام اینها در آماده ساختن احساسات ما شرکت میجویند و مشکل است در وهلهی اول بتوان تشخیص داد از این منظره خوشمان آمده برای اینکه احساس راحتی کرده ایم و یا اینکه نسبت به زیباییهای آن حساس شده ایم. جدا کردن احساساتی که کاملاً مربوط به چشم و دید بود و تقسیم نشدنی بنظر میرسد از دیگر ادراکات اولین عمل تجزید شمرده میشود.

دید چیست؟ - وقتی با طرف خود نگاه میکنیم ملاحظه میشود که برای دید چشم حدمعینی وجود ندارد و بدقت نمیتوان گفت از کجا شروع و بکجا ختم میگردد زیرا مرزی در فضا موجود نیست و حرکات مداوم چشمان ما حدود تصویر بصری ما را دائم تغییر میدهد. اما برای یک تابلوی نقاشی و یا عکاسی موضوع بدین قرار نیست و از عرض و طول به حدفاصل کاملاً مشخصی خاتمه مییابد. از طرف دیگر نگاه ما بطور غیر مساوی،

خاکستری‌های روشن و تیره باید در نظر گرفت و تصویر سیاه - سفیدی را که از حقیقت رنگین بدست خواهد آمد پیش چشم مجسم ساخت و از آنچه که در این تغییر و تبدیل زیبایی خود را از دست خواهد داد صرف نظر کرد. همچنین نباید فراموش کرد که چون ابعاد محدود عکس اجازه نمیدهد تا ترجمان صادق تمام مناظر طبیعت باشد لذا لازم است که زوائد حذف گردد تا موضوع اصلی بدقت انتخاب شود. یعنی بطوریکه سابقاً نیز بدان اشاره شد، تصویر باید محتوی یک موضوع کاملاً نمایان باشد تا بلافاصله نگاه تماشاگر بآن جلب شود. اگر چندین نقطه‌ی قوی و مراکز توجه متعدد در روی یک تابلو وجود داشته باشد نظر انسان در یکجا متمرکز نخواهد شد و درحالی‌که از نقشی بنقش دیگر سرگردان و ویلان است احساس ناراحتی خواهد کرد.

حتماً در مورد اشخاص لغت «فتوژنیک» بگوشتان خورده و میدانید بعضی‌ها فتوژنیک هستند یعنی در عکس زیباتر و بهتر

از خودشان نمایان می‌گردند. این صفت در مورد تمام موضوعها و شکل‌های طبیعت صادق بوده و لازم است در هر مورد عکسبرداری ب جستجوی آن پرداخت و این «خاصیت» مهم را فراموش نکرد. وضع قانون و قاعده و طبقه‌بندی موضوعها از این لحاظ بسیار مشکل و شاید غیرممکن است و هیچگاه نمیتوان گفت چه موضوعاتی دارای چنین خواص بوده و کدام‌ها عاری از آنند. در اینجا است که «هنر دیدن» عکاس رل اصلی و اساسی را بازی میکند و تصمیم نهائی را میگیرد. این هنر عبارت از انتخاب موضوعات و شکل‌ها نیست که بدون از دست دادن خواص خود در موقع تبدیل شدن بعکس، زیبایی جدیدی کسب کنند. عکاس حقیقی موضوعاتی را شکار میکند که پس از کوچک شدن و از دست دادن رنگ‌های خود و تبدیل به سیاه - سفیدی بزرگترین قدرت مجسم‌کننده را دارا باشند.

عکاس هنرمند با داشتن اطلاعات کافی و استفاده از ابزار کار خود بوسیله‌ی سایه - روشن‌ها، نورهای مناسب، تضاد (کنتراست)‌های موزون و سنجیده و غیره، توجه و علاقه را بموضوع اصلی جلب میکند. نباید فراموش کرد که عکاسی مستند (دکومانتر) همیشه وجود داشته و خواهد داشت، علوم و فنون هر روز احتیاج بیشتری بدان پیدا میکنند و نتایج بسیار درخشان از کمک‌های آن بدست می‌آورند.

همچنین عکس پیوسته برای نگاهداری خاطرات خانوادگی خدمتگزار صادق و باوفائی بوده و خواهد بود. این موضوعات خارج از بحث امروز ماست.

خوانندگان عزیز، بخاطر داشته باشند که عمل عکاسی کاریست سهل و ساده، آنچه که مشکل و با ارزش میباشد بیان چیزی است بوسیله‌ی عکس. اهمیت عکس در «ارزش انسانی» کسی است که آنرا بوجود می‌آورد. همچنانکه انسانها از نوشتن و گفتن برای اظهار مطالب خود استفاده میکنند عکس نیز وسیله‌ای است تا هر کس نسبت بکار و تخصص و سرشت خود آنچه را که مفید و مهم و جالب میدانند بکمک آن بیان کند.

توصیه میشود که عکس‌های خوب را مورد بررسی و مطالعه قرار دهید تا عوامل و عناصری را که موجب اهمیت و ارزش آنها شده دریابید. این راه، برای پیشرفت و تکامل در هنر عکاسی، بهترین و موفق‌ترین راههاست. بطوریکه گفته شد مهمترین وسیله برای ایجاد تصاویر جالب و با ارزش مالک شدن به هنر دیدن است. گرچه این هنر را نمیتوان در چند قاعده و دستور خلاصه کرد ولی سعی خواهد شد که با ارائه‌ی نمونه‌هایی چشم خوانندگان را با شکل‌ها و حالات چندی آشنا سازیم تا علاقمندان عکاسی ذوق و سلیقه و عادت نگاه کردن و دیدن را بدست آورند. باین ترتیب نه تنها قدرت خلق تصاویر زیبا را کسب خواهند کرد بلکه استعداد دید و ارزیابی خود را نیز فزونی خواهند بخشید.

